

نسبت مردم سالاری و اسلام سیاسی در نظام‌های ریاستی و پارلمانی: مطالعه

موردی نظام جمهوری اسلامی ایران

سید علی قریشی<sup>۱\*</sup> احمدرضا بهتیاfer<sup>۲</sup> فخرالدین ابویه<sup>۳</sup>

۱: دانشجو دکتر حقوق، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)

Seyadlighoreyshi403@gmail.com

۲: استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی دامغان، دامغان، ایران

۳: استادیار، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران

### چکیده

یکی از چالش‌های صاحب‌نظران نسبت دموکراسی و اسلام سیاسی در نظام‌های ریاستی و پارلمانی است. در این نظام ریاستی، رئیس‌جمهور به‌عنوان سرپرست قوه مجریه، معمولاً اختیارات زیادی دارد و به‌طور مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شود. اما در نظام پارلمانی، قدرت اجرایی عمدتاً بر عهده نخست‌وزیر و کابینه‌ای است که از مجلس نمایندگان انتخاب می‌شود. این ساختار به کلیت نظام دموکراتیک کمک می‌کند و روابط متقابل بیشتری بین قوای سه‌گانه برقرار می‌کند. اهداف پژوهش بیان‌شاخصه‌ها و کاربردهای بحث برانگیز دموکراسی و اسلام سیاسی در میان نظام ریاستی و پارلمانی با محوریت جمهوری اسلامی ایران بوده است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات از مجموعه کتاب، مقالات، گزارش‌ها و پایان‌نامه‌ها مرتبط با موضوع بوده است. نظام جمهوری اسلامی ایران آمیخته‌ای از دموکراسی و اسلام سیاسی است. در این نظام، مقامات عالی‌رتبه دینی و سیاسی مانند ولی‌فقیه نقش راهبردی و حیاتی در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها دارند. جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد توازنی میان مبانی اسلامی و الزامات دموکراتیک است. مشروعیت این نظام نه تنها از طریق آرای عمومی بلکه با اتکا به اصول دینی تأمین می‌شود.

**کلیدواژه:** اسلام سیاسی، دموکراسی، نظام پارلمانی، نظام ریاستی.

# The Relationship Between Democracy and Political Islam in Presidential and Parliamentary Systems: A Case Study of the Islamic Republic of Iran

## Abstract

One of the ongoing challenges among scholars is understanding the relationship between democracy and political Islam in presidential and parliamentary systems. In a presidential system, the president, as the head of the executive branch, usually holds substantial powers and is directly elected by the people. In contrast, a parliamentary system delegates executive power primarily to a prime minister and a cabinet selected by the parliament. This structure contributes more effectively to the overall democratic framework by establishing more reciprocal interactions among the three branches of government. The objective of this research is to explore the defining features and contentious applications of democracy and political Islam within presidential and parliamentary models, with a focus on the Islamic Republic of Iran. The research adopts a qualitative-analytical methodology, and data collection tools include books, academic articles, reports, and dissertations relevant to the subject. The political system of the Islamic Republic of Iran is a unique blend of democracy and political Islam. In this system, high-ranking religious and political figures -such as the Supreme Leader - play a strategic and vital role in the decision-making process. The Islamic Republic seeks to establish a balance between Islamic foundations and democratic imperatives. The legitimacy of this system is derived not only from public participation through elections but also from adherence to religious principles.

**Keywords:** Political Islam, Democracy, Parliamentary System, Presidential System.

دموکراسی و اسلام سیاسی مفاهیم کلیدی و متضاد در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در عصر حاضر هستند که هر کدام بر ساختار قدرت و مدیریت جامعه تأثیر می‌گذارند. در جستجوی تعامل مفهوم دموکراسی و اسلام سیاسی در نظام‌های حکومتی، توجه به تفاوت‌ها و تنوع نظام‌های ریاستی و پارلمانی، دارای اهمیت ویژه است. نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک مدل ویژه ترکیب اسلام سیاسی و دموکراسی، مورد مناسبی برای تحلیل و بررسی این تعامل می‌باشد. نظام جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول اسلامی و مردم‌سالاری، سعی در ایجاد توازن بین ارزش‌های مذهبی و نیازهای جامعه مدرن دارد. سوالات اصلی ساسی که در این موضوع مطرح می‌شود: دموکراسی در پرتو اسلام سیاسی چگونه تعریف و پیاده‌سازی می‌شود؟ دموکراسی در پرتو اسلام سیاسی چه تأثیری بر ساختار و کارکرد نظام‌های ریاستی و پارلمانی دارد؟ پاسخ این دو سوال به صورت مطالعه موردی در نظام جمهوری اسلامی ایران که نمونه بارز دموکراسی و اسلام سیاسی در یک نظام است مورد تحلیل قرار می‌گیرد موضوع این است در نظام جمهوری اسلامی، ساختار سیاسی چگونه از قواعد اسلامی استفاده می‌کند و همچنین الزام‌های دموکراتیک را تبیین و اجرا می‌کند. به همین دلیل، این پژوهش به تحلیل گرایش‌های مختلف اسلام سیاسی و دموکراسی در نظام‌های مختلف حکومتی (ریاستی و پارلمانی) می‌پردازد و چالش‌ها و فرصت‌ها با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مورد بحث قرار می‌گیرد.

## ۲- تبیین مفاهیم

### ۲-۱- دموکراسی

دموکراسی شیوه‌ای برای سهم کردن همه شهروندان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی بزرگ بوده است و از سرزمین یونان باستان نشأت می‌گیرد و منظور از آن حکومت عامه مردم است، به تعبیری دیگر، حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در مورد امور همگانی جامعه می‌باشد. برای توصیف کلمه‌ی دموکراسی باید به ریشه این کلمه که از زبان یونانی است بازگشت. خاستگاه اصطلاح اصطلاح (کراسی) از واژه یونانی

کراتوس (kratos) به معنای قدرت، یا فرمانروایی و دموس (demos) به معنای مردم مشتق شده است. دموکراسی به معنای فرمانروایی مردم. دموکراسی در بنیادی ترین شکل خود؛ نشانگر نظامی است که قدرت در اختیار مردم است. مردم نیز به نوبه خود ممکن است این قدرت را به طور مستقیم یا غیر مستقیم اعمال کنند. در این ارتباط اعمال قدرت به طور کلی در سه شکل صورت می‌پذیرد: مشارکت، برای مثال با رأی گیری و انتخابات، رقابت، مانند آن چه که بین احزاب سیاسی صورت می‌پذیرد و آزادی همچون آزادی بیان و برپایی اجتماعات. دموکراسی به معنای مشارکت سیاسی مردم در اداره جامعه است و محتوای فکر و مبنای مشارکت به تبع مبانی حاکم تعیین می‌گردد. امروزه دموکراسی رایج ترین نظام سیاسی است و بارزترین شکل آن، دموکراسی مدرن می باشد که دارای عقایدی متفاوت با رویکردهای قبلی می باشد (باقری گورابی، ۱۴۰۳: ۷).

## ۲-۲- اسلام سیاسی

اسلام سیاسی اصطلاحی مربوط به قرن معاصر می باشد که در برابر اندیشه ی اسلام سنتی پدید آمده است. در این مقوله، اسلام به عنوان هویت مرکزی با نقش کارکردگرایانه در متن سیاست واقع می شود و نظم اجتماعی را با تمام ملزومات آن نظریه- پردازی می -کند. این پدیده، امروزه صرفاً در حوزه انتزاع نیست، بلکه قابلیت های خود را در عمل سیاسی نیز نشان داده است. کنش گران سیاسی اسلام گرا در دهه های اخیر نه تنها بر روندهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و امنیتی محیط شان تاثیر گذاشته اند، بلکه سیاست-های جهانی را نیز وادار به سطحی از کنش چالشی کرده اند. عوامل مختلفی در سرعت گیری عملگرایانه ی اسلام سیاسی دخیل بود، که می توان به پدیده هایی مانند مسأله ی فلسطین، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اشغال افغانستان، فروپاشی شوروی، حادثه ۱۱ سپتامبر و بهار عربی اشاره کرد. البته، درست است که اسلام سیاسی در قالب یک پارادایم کلی در برابر پارادایم های دیگر قرار می -گیرد، اما تحولات درون پارادایمی آن بسیار مهم و قابل توجه است. بدین معنا که، به رغم ارجاع

مشترک قرائت اسلام سیاسی به یک منبع دینی، در عمل برون-دادهای اجتماعی و فرهنگی نسبتاً متفاوتی در قبال نوع مواجهه با جهانی شدن، مدرنیته، سکولاریزم، نظم نوین جهانی، آمریکاگرایی، اروپا-محوری، غرب-ستیزی و... داشته و دارند. این نحله های جامعه شناختی خاص از اسلام سیاسی و سیاست فرهنگی متناظر با آن، دستکم توانسته است در قالب شکل بندی های اجتماعی و سیاسی چندگانه متجلی شود (پوراحمدی میدی و ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۳۱).

آغاز نظام پارلمانی به بریتانیا برمی گردد. آنگلساکسون ها از ۵۵۰ تا ۱۰۶۶ میلادی، مهاجران به جزیره بریتانیا بودند اما شاه ساکسون با شورایی مشورتی به عنوان ویتان یا ویزنگاموت که به او در حکومت یاری می رساندند و گاهی حتی پادشاه جدید را هم انتخاب می کردند اقدام به مدیریت داشتند. این شیوه در کشور ماندگار شد و در سال ۱۲۶۵ به این مجمع بزرگان، پارلمان گفته شد (به معنای گفت و گو یا مذاکره در زبان لاتین) و عاقبت سال ۱۷۱۴ نظام پارلمانی در این کشور تکمیل شد و مقام نخست وزیری به وجود آمد.

در نظام های پارلمانی برای بدست آوردن مقام نخست وزیری یا ریاست جمهوری توسط نامزد، ملزم به برخورداری حمایت حزب یا ائتلافی از احزاب است. حمایت شدن توسط حزب اکثریت یا مجموعه ای از حزب ها در پارلمان، شرط لازم و کافی است (بوشهری، ۱۳۹۷: ۴۲) قوه مجریه از بین اعضای مجلس انتخاب می شود و تا زمانی بر سر کار هستند که بتواند حمایت اکثریت مجلس را با خود داشته باشد. نظام پارلمانی به عنوان شکل مسئولیت دار حکومت نام برده می شود، زیرا هیئت دولت دارای اختیارهای حکومتی است و به صورت گروهی در برابر مجلس قانون گذاری انتخاب شده ی مردم مسئول است (عالمی، ۱۳۹۴: ۶۳) به همین دلیل وقتی نمایندگان پارلمان از نخست وزیر یا رئیس جمهوری و وزیران آن ها سؤال کنند، آن ها ناگزیر باید به سؤال های آنان، بصورت کتبی یا شفاهی پاسخ بدهند. اگر نمایندگان در خصوص عملکرد دولت همه

کابینه یا یکی از وزیران را استیضاح کنند، اعضای هیئت دولت به صورت فردی یا جمعی پاسخ قانع کننده ای به استیضاح در مجلس بدهند.

دخالت مردم برای انتخاب رئیس جمهوری یا نخست وزیر بصورت غیر مستقیم است، مردم با شرکت در انتخابات، نمایندگان خود را وارد مجلس می کنند و در ادامه نمایندگان نیز با حمایت خود، فردی را به عنوان رئیس جمهوری یا نخست وزیر وارد مجلس می کنند. حاکمیت ملی از طریق انتخابات به نهاد تقنینی سپرده می شود و در ادامه شکل گیری قوه مجریه، از رهگذر موقت قوه مقننه صورت می گیرد (Pactet, 1971). به این معنی که هیئت دولت زمانی رسمیت می یابد که اعتماد اکثر نمایندگان مردم را جلب کرده باشد و رای اعتماد به هیئت دولت توسط نمایندگان به معنای انتخاب فرمانروایان از سوی نمایندگان مردم است و کابینه که تمام مسئولیت های سیاسی را بر عهده دارد باید پاسخگوی عملکردشان در برابر نمایندگان مردم باشد (Barry Weingast 2009, 128).

نظام پارلمانی نسبی بودن تفکیک قوا را به ذهن می رساند که قوانین اساسی نظام های پارلمانی، محور کار خود را نه بر جدایی مطلق و کامل آن ها، بلکه بر سودمند بودن پیوند های رسمی میان قوا قرار داده اند (ابوالحمد ۱۳۹۷: ۴۱) در نظام پارلمانی هر قوه در برابر قوه دیگر مجهز به ابزار و وسایلی جهت پیشگیری از انحراف های مستبدانه قوه دیگر است و مانعی برای خطاهای احتمالی است (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۴: ۲۶). در این نظام وظایف نهاد های حکومت از هم متفاوت و تفکیک شده و از طریق ارگان مشخص انجام می پذیرد. به این معنی ارگان ها کاملاً تخصصی نیستند بلکه عملکرد آن ها در مواردی یکدیگر را قطع می کنند و هر کدام راهی برای تاثیر بردیگری را دارد: «تمایز قوا، همکاری در وظایف، وابستگی اندامی» عبارت مزبور را موریس دوورژه (۱۹۹۸-۱۹۱۷) خلاصه کرده است که از طرفی با اختلاف و تمرکز قوا یکی نیست و از طرفی، با تفکیک کامل قوا نیز متفاوت است (قاضی، ۱۳۹۴: ۷۱).

در نظام حکمرانی پارلمانی، دولت در برابر قوه مقننه دارای مسئولیت است و پارلمان این اختیار را دارد که در صورت تشخیص و لزوم، هیئت دولت را منحل نماید و همچنین در مقابل قوه مجریه نیز این توانی را دارد که پارلمان را منحل نماید. در نظام حکمرانی پارلمانی، تفکیک قوا اصلی نسبی است، به این معنی که قانون اساسی نظام های حکمرانی پارلمانی، محوریت تصمیمات خود را بر جدایی مطلق و کامل آنها قرار نداده، هدف بر مفید بودن پیوندهای رسمی میان قوا است (ابولحمده، ۱۳۹۷: ۲۳). در این روش، هر قوه در برابر قوه دیگر<sup>۱</sup> با هدف پیشگیری از انحراف های خود کامه دیگر قوا با ابزار و وسیله های تحت اختیار را دارد و مانع از خطاهای سهوی و نسنجیده آنها گردد. با تکیه بر این ابزارها می توان ارتباط دو قوه را نیز ملاحظه نمود زیرا در این سیستم وظایف نهادهای حکومت با همدیگر متفاوت هستند و هر ارگان وظیفه خاصی سپرده شده است (Duguit, 1972). شایان ذکر است ارگان ها کاملاً تخصصی نیستند بلکه عملکرد آن ها در مواردی یکدیگر را قطع نموده و هر کدام با اختیارات خود بر عملکرد دیگری تاثیر دارد. سیستم پارلمانی به عنوان شکل دارای مسئولیت حکومت نام برده می شود، به این سبب که هیئت دولت حائز وظایف و اختیارات حکومتی می باشد و به صورت جمعی در برابر مجلس قانون گذاری انتخابی مردم پاسخگو است (پدرام، ۱۳۹۵: ۳). در نظام پارلمانی مردم به نحو غیر مستقیم در انتخاب رئیس جمهوری یا نخست وزیر خود شرکت می کنند، به نحوی که با شرکت کردن در انتخابات، نماینده های منتخب خود را به مجلس معرفی می کنند و سپس نمایندگان مردم نیز شخصی را به عنوان رئیس جمهوری یا نخست وزیر انتخاب و وارد سیستم می نمایند. حاکمیت ملی به واسطه انتخابات به نهاد تقنینی سپرده می شود و در نهایت شکل گیری قوه مجریه یا بهتر گفته شود بخش مسئول آن، از طریق موافقت قوه مقننه صورت می پذیرد، یعنی هیئت دولت زمانی به رسمیت می رسد که رای

۱. در این راستا می توان خاطر نشان کرد که استقلال نهادی یا سازمانی قضا به معنای استقلال قوه قضاییه نیز مبتنی بر اصل تفکیک قوا می باشد (جهت مطالعه بیشتر ر.ک: آهنگری و جهان دوست دالنجان، ۱۴۰۰: ۱۱۵).

اعتماد اکثر نمایندگان مردم را جلب کنند و رأی اعتماد به هیئت دولت از سمت نمایندگان مردم به معنای انتخاب و تایید فرمانروایان از سمت نمایندگان مردم می‌باشد و کابینه تشکیل شده که تمامی مسئولیت های سیاسی را به عهده می‌گیرد باید مسئولیت پذیر و پاسخگوی تصمیم و عملکرد خود در مقابل نمایندگان مردم باشد.

در ادامه به بررسی نظام پارلمانی با دموکراسی و اسلام سیاسی می‌پردازیم.

### ۳- نظام پارلمانی و رابطه آن با دموکراسی و اسلام سیاسی

نظام پارلمانی، یکی از مدل‌های متداول حکومتی است که زمینه‌ای برای تعامل و تقابل بین دموکراسی و اسلام سیاسی را فراهم می‌آورد. در نظام پارلمانی، مجلس یا پارلمان وظیفه اصلی قانون‌گذاری و نظارت بر دولت را بر عهده دارد، و این موضوع در تأثیرگذاری اسلام سیاسی بر روند سیاسی کشورها نقش مهمی ایفا می‌کند (جوان آراسته، ۱۳۹۷: ۵۴).

نظام پارلمانی به‌عنوان یکی از نظام‌های حکومتی، ویژگی‌های خاصی دارد که بر تعاملات میان دموکراسی و اسلام سیاسی تأثیر گذار است. در ادامه به بررسی نظریه‌پردازی‌های مرتبط با دموکراسی و اسلام سیاسی در نظام‌های پارلمانی می‌پردازیم.

#### ۱. تعریف و ویژگی‌های نظام پارلمانی

نظام پارلمانی را معمولاً می‌توان با ویژگی‌های زیر معرفی کرد:  
وابستگی قوا: در نظام پارلمانی، قوه مجریه به قوه مقننه به یکدیگر وابسته و بر یکدیگر تأثیر دارند. نخست‌وزیر که رئیس قوه مجریه است، با رأی اعتماد و حمایت اکثر نمایندگان مردم در قوه مقننه انتخاب می‌شود.

انتخابات غیرمستقیم: نمایندگان پارلمان به‌صورت مستقیم انتخاب می‌شوند، اما نخست‌وزیر از میان آنها انتخاب می‌شود و مسئولیت اجرایی دولت را بر عهده دارد.  
کاهش نهاد ریاستی: در مقایسه با نظام ریاستی، در نظام پارلمانی نقش رئیس‌جمهور معمولاً کم‌رنگ‌تر است و بیشتر وظایف تشریفاتی را عهده‌دار است.

## ۲. دموکراسی در نظام پارلمانی

در نظام‌های پارلمانی، دموکراسی در قالب انتخاب شفاف، حضور احزاب متنوع، مسئولیت‌پذیری نمود پیدا کند:

انتخابات شفاف: شهروندان در سیستم‌های انتخاباتی دموکراتیک که امکان انتخاب نمایندگان واقعی را به کسب می‌کنند.

حضور احزاب متنوع: نظام پارلمانی این امکان را به احزاب مختلف با عقاید و اهداف متفاوت می‌دهد تا نمایندگان این احزاب نماینده‌ی خوبی برای جامعه باشند.

مسئولیت‌پذیری دولت: دولت با توجه به نمایندگان پارلمان و رأی اعتماد آنها این مسئولیت را دارند و در صورت عملکرد نامناسب، می‌تواند استیضاح و برکنار شود.

آزادی‌های مدنی: وجود آزادهای مدنی مانند حق تجمع، حق بیان و حق انتقاد از ویژگی‌های دموکراسی نظام پارلمانی است

## ۳. اسلام سیاسی در نظام پارلمانی

اسلام سیاسی در نظام‌های پارلمانی به شیوه‌های احزاب اسلامی، قوانین مبتنی بر شریعت و گفتگو تعاملات اجتماعی می‌تواند انجام شود و تأثیرگذار باشد:

احزاب اسلامی: احزاب اسلامی می‌توانند با ارائه برنامه‌های سیاسی متناسب با اصول اسلامی در نظام پارلمانی برای انتخابات شرکت کنند و با کسب آرای مردم به نمایندگانی در به پارلمان بفرستند.

قوانین مبتنی بر شریعت: نمایندگان امکان تصویب قوانین دارند که می‌توان با محوریت مبانی اسلامی و شریعت باشد، و این فرایند تأثیر عمیقی بر سیاست‌گذاری‌ها خواهد داشت.

نقش روحانیون و رهبران دینی: روحانیون با اشراف به شیوه‌ی زندگی متعالی انسان می‌توانند در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی بصورت راهبردی یا تصمیم‌گیرنده تأثیرگذار باشند.

گفتگو و تعاملات اجتماعی: فضای پارلمانی عرصه گفت‌وگو است و می‌تواند فرصتی برای تعامل میان اسلام سیاسی و ظرفیت‌های دموکراتیک را فراهم آورد.

۴. چالش‌ها و فرصت‌ها

چالش‌ها:

تعارضات ایدئولوژیک: با توجه به وجود دیدگاه‌های مختلف و تعارض‌های ایدئولوژیک احتمال بروز تنش‌های سیاسی و اجتماعی در پارلمان منجر شود.

محدودیت‌های حقوق بشر: وجود ساختارهای حقوق بشر در قالب‌های دموکراتیک شاید با برخی قوانین الهی احزاب اسلامی در تضاد و تعارض باشند اما مورد حمایت ارزش‌های دموکراتیک قرار گیرند.

بسترسازی ناپایدار: درگیر شدن با مباحثات عمیق سیاسی ممکن است به عدم ثبات سیاسی منجر شود و اجرای سیاست‌ها را مختل نماید.

قدرت‌طلبی احزاب: گاهی اوقات، احزاب اسلامی اقدام به تمرکز قدرت و تضعیف نهادهای دموکراتیک دارند که این امر سبب چالش‌های شدید می‌گردد.

محدودیت آزادی‌ها: قابلیت اندازه‌گیری و احترام به حقوق اقلیت‌ها و آزادی‌های فردی ممکن است تحت تأثیر اصول اسلامی قرار گیرد.

فرصت‌ها:

ترویج مدل‌های جدید حکومتی: ادغام اندیشه‌ی اسلامی و دموکراتیک امکان دسترسی به مدل‌های جدید حکومتی با کارایی بالا را فراهم می‌کند.

تقویت دموکراسی مشارکتی: حضور احزاب گوناگون و متنوع می‌تواند به تقویت دموکراسی مشارکتی و افزایش تعاملات اجتماعی کمک کند که احزاب اسلامی با توجه اندیشه‌های متعالی این قابلیت را دارد تا تعاملات اجتماعی و دموکراسی را توسعه دهد.

تقویت اصول دموکراسی: تعامل مثبت بین اسلام سیاسی و دموکراسی می‌تواند منجر به تقویت مقومات دموکراتیک و پاسخگویی اجتماعی در نظام سیاسی شود.

گفت‌وگوهای مدنی: فضای گفت‌وگویی پارلمان می‌تواند به بروز سامان‌های مدنی و همکاری‌های بین گروه‌های مختلف اجتماعی کمک نماید.

نظام پارلمانی یک ساختار سیاسی است که فرصت تعامل و چالش‌های منحصر به فردی میان دموکراسی و اسلام سیاسی را فراهم می‌کند. علی‌رغم وجود چالش‌های که وجود دارد، فرصت‌های بی‌نظیری برای هم‌سویی اصول دموکراتیک و اسلامی وجود دارد که قابلیت‌های اسلام سیاسی می‌تواند به تقویت حکمرانی عادلانه و توسعه پایدار برای جوامع انسانی منجر شود. نیاز به ایجاد فضایی مشارکتی احزاب مختلف و احترام به نظرات متنوع جامعه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند به تعامل مثبت میان این دو مؤلفه کمک کند (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۷).

دموکراسی و اسلام سیاسی در نظام‌های پارلمانی به‌عنوان دو عرصه ضروری در تعاملات سیاسی می‌تواند مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرند. این تعامل می‌تواند یک فرصت مهم برای پیشرفت جامعه و تأسیس نظامی عادلانه و فراگیر مورد بررسی قرار گیرد. چالش‌هایی نیز همواره وجود دارند که نیاز به دقت و نظام‌مندی دارند. در نهایت برای تحقق یک مدل موفق با محوریت دموکراسی و اسلام سیاسی، باید تعادل و هم‌سویی بین ارزش‌های اسلامی و اصول دموکراتیک برقرار شود.

نظام ریاستی اواخر قرن هیجده میلادی؛ همزمان با تدوین قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال 1787 میلادی و در شرایطی کاملاً متفاوت با نظام پارلمانی ظهور کرد. نظام‌های ریاستی در آمریکای لاتین و آفریقا با هدف تمرکز قوا در دست رئیس‌جمهور و ایجاد گونه‌ای ریاست‌گرایی یا شبه دیکتاتوری سوق داده شد (تنگ، ۱۳۹۵: ۳۸). در این نظام رئیس‌جمهور نقش دوگانه است که هم نقش ریاست کشور و هم ریاست دولت را ایفا می‌کند، به‌عنوان نظام ریاستی نام‌گذاری شده است. رئیس‌جمهور از همه اختیارات قوه مجریه برخوردار است و در نتیجه مهمترین شخصیت نظام است و رهبری دولت را در اختیار دارد و در نقش رئیس‌جمهور مجریه بارزترین شکل متمرکز از اراده مردم برای نظارت و مدیریت بر قوه مجریه است. قوه مقننه تجلی

اراده غیر متمرکز مردم برای تعیین قوانین است. در واقع نظام ریاستی، نظامی بر مبنای تفکیک مطلق قوا است. می توان گفت نظام ریاستی: «در آن تفکیک قوا به طور مطلق در قانون اساسی اعلام شده و قوه مجریه در دست رئیس جمهور که مستقیماً از طرف ملت انتخاب می شود، متمرکز باشد و شخص رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسئولیت ندارند. در این نوع از رژیم سیاسی، حاکمیت ملی در دو نوبت تجلی می یابد (ترابی، ۱۳۹۷: ۲۲).

وجود رئیس جمهوری رسمی با اختیارات قانونی قابل ملاحظه، ریاست قوه مجریه را در اختیار دارد. در نظام ریاستی، قوه مجریه بر خلاف رژیم های پارلمانی، سلسله مراتبی است. این جهت، جدایی و استقلال مطلق قوه مقننه و مجریه، ویژگی مهم و قابل توجه حکومت در مدل ریاستی باشد. مدل حکمرانی ریاستی، قوای سه گانه قضائیه، مجریه، مقننه فارغ از پیوستگی با هم و در تأثیر قدرت متناسب انجام وظیفه می نمایند. هر یک به صورت منفرد و استقلال یافته و در قسمت مخصوص به خود انجام وظیفه می نمایند و هیچ کدام بر دیگر موارد توفیق ندارد. نظام حکومت ریاستی برای تفکیک قوا به طور مطلق، اصل بر برابری و هم ترازوی و عدم دخالت به نحو متقابل را انجام داده اند. در نظام حکومت ریاستی افراد جامعه به هنگام انتخابات، بیش از آن که به نکات مهمی مانند سیاست ها و خط و مش های حزبی توجه داشته باشند به شخص خود نامزده ریاست جمهوری تأکید و توجه می کنند (گر جی از ندریانی، قهرمان زاده نیمگزی، ۱۳۹۷: ۸۱).

**نظام های ریاستی** یکی از الگوهای حکومتی مورد استفاده در دنیا، ویژگی های خاصی دارند که فضای مناسبی برای بررسی تعامل دموکراسی و اسلام سیاسی فراهم می کند. در این بخش، به تعریف، ویژگی ها و چالش های ارتباط این دموکراسی و اسلام سیاسی در چارچوب نظام های ریاستی پرداخته خواهد شد.

#### ۱. تعریف و ویژگی های نظام ریاستی

نظام ریاستی سیستمی حکومتی است که در آن رئیس جمهور در نقش رئیس دولت و رئیس بنای کشور است که به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می شود. در نظام های

ریاستی، قوا به‌طور کلی به سه بخش قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه وجود دارند و رئیس‌جمهور اختیارات گسترده‌ای مانند اجرای قوانین، ادارات عمومی و سیاست‌گذاری‌های کلان می‌شود.

## ۲. دموکراسی در نظام ریاستی

در نظام‌های ریاستی، دموکراسی به‌عنوان اصلی بنیادین در مفاهیم بنیادین تأسیس می‌شود. این دموکراسی‌ها با انتخابات عمومی، حق رأی شهروندان و آزادی‌های مدنی در ارتباط است. ویژگی‌های خاص این دموکراسی‌ها شامل:

مردم‌سالاری: حق انتخاب و رأی‌گیری برای شهروندان در نظام ریاستی وجود دارد. آزادی‌های سیاسی: در نظام ریاستی برخی آزادی‌های سیاسی عبارتند از آزادی بیان، آزادی تجمع و حق انتقاد می‌باشد.

شفافیت و پاسخگویی: در نظام ریاستی نهادهای دولتی باید به عملکرد خود شفافیت داشته و به شهروندان پاسخگو باشند.

## ۳. اسلام سیاسی در نظام ریاستی

اسلام سیاسی با تلاش برای اجرای اصول و ارزش‌های اسلامی در نظام‌های سیاسی است. در نظام‌های ریاستی، می‌توان اسلام سیاسی را به‌اشکال مختلف دید:

قوانین شرعی: تصویب و اجرای قوانینی که بر مبنای شریعت اسلامی وجود دارد. رهبری دینی: روحانیون و رهبران مذهبی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش حیاتی دارند. خلق هویت ملی: ایجاد وحدت بر مبنای اصول اسلامی و هویت ملی در نظام ریاستی امکان‌پذیر است.

## ۴. چالش‌ها و فرصت‌ها

چالش‌ها:

تعارض بین ارزش‌های دموکراتیک و اصول اسلامی: این امکان وجود دارد که برخی از اصول دموکراسی با ارزش‌های اسلامی ناسازگار باشند.

افزایش تمرکز قدرت: در برخی مواقع، تمرکز قدرت برای شخص رئیس‌جمهور می‌تواند به تضعیف نهادهای دموکراتیک منجر شود.

نقش محدود منابع دینی: سهم و نقش آفرینی نهادهای مذهبی و روحانیون در سیاست شاید منجر به محدودیت آزادی‌های سیاسی شود.

فرصت‌ها:

توسعه هویت اسلامی دموکراتیک: با استفاده از تعامل بین ارزش‌های اسلامی با اصول دموکراتیک می‌تواند یک الگوی جدید برای مدیریت جامعه ارائه کند.

جذب مشارکت اجتماعی: اسلام سیاسی با توجه به نقش آفرینی در ارزش‌های افراد جامعه می‌تواند باعث افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها شود.

تقویت همبستگی اجتماعی: اصول و ارزش‌های انسانی و اسلامی می‌توانند به ایجاد همبستگی و وحدت در جامعه کمک کنند.

در نهایت، تعامل دموکراسی و اسلام سیاسی در نظام‌های ریاستی نظیر جمهوری اسلامی ایران نیازمند تحلیل دقیق‌تر و نظام‌مند است. برقراری تعادل میان این مفهوم دموکراسی و اسلام سیاسی به تقویت اکوسیستم سیاسی و اجتماعی کشور کمک می‌کند. در این راه، آگاهی و مشارکت مدنی نقش کلیدی‌ای دارد که می‌تواند به تقویت اصول دموکراتیک در جامعه اسلامی کمک نماید.

## نتیجه‌گیری

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نظام سیاسی ایران شکل جدیدی به خود گرفت که در آن اسلام سیاسی نقش حیاتی و محوری را ایفا می‌کند. این نظام ریاستی به سمت اسلام سیاسی با ویژگی‌های خاص اسلامی پیش رفته است. دموکراسی و اسلامی سیاسی همچنین نظام ریاستی یا پارلمانی همیشه بین صاحب‌نظران به عنوان چالش سیاسی مورد گفتگو قرار گرفته است. در ادامه، اهمیت اسلام سیاسی و دموکراسی در نظام ریاستی ایران را نسبت به نظام پارلمانی بررسی می‌کنیم. اسلام سیاسی در نظام ریاستی ایران باعث تقویت هویت ملی و دینی، افزایش انسجام و به هم پیوستگی داخلی و ایجاد

ساختاری مقاوم در برابر تهدیدهای دشمن خارجی می‌شود (نوذری، ۱۳۹۱: ۱۸) در نظام ریاستی ایران، ولی فقیه به عنوان رهبر عالی کشور، مقام بالای سیاسی و دینی را به خود تعلق داده است. این مقام به عنوان نماینده خداوند جهت مشروعیت بخشیدن به حکومت الهی در در زمین، تاثیر زیادی بر تصمیم‌گیری‌های کلان کشور دارد. نظام ریاستی ایران به طور مستقیم با اصول اسلامی جهت مشروعیت بخشیدن به تصمیم‌ها و رفتارهای مسئولیت و نظام در ارتباط است؛ زیرا تصمیم‌گیری‌ها و قوانین باید با شریعت اسلام تبیین و همخوانی داشته باشد. این ارتباط مستقیم و مسئله‌ی مهم به اعتبار و مشروعیت نظام کمک می‌کند. شایان ذکر است اسلام سیاسی در ایران به شکل‌گیری یک نوع مشارکت دینی از طرف مردم انجامیده است. اسلام سیاسی به این صورت در نظام ریاستی نمایان می‌شود اما در بعد دموکراسی شاهد انتخابات ریاست‌جمهوری و مراجع دیگر در هر دوره‌ای توسط مردم، که کاندیدها میزان تمایل و پایبندی اسلام به اصول سیاسی را نشان می‌دهد. وجود چارچوب‌های اسلامی همراه با رهبری قوی در نظام ریاستی بدون شک به ثبات سیاسی و اقتصادی کشور کمک کند. این ثبات به خصوص در زمان بحران‌های داخلی و خارجی امر حیاتی است (مرندی، ۱۴۰۲: ۲۷). در نظام ریاستی ایران، نهادهای نظارتی از جمله شورای نگهبان نقش مهمی در تایید قوانین و سیاست‌ها دارند. هدف این نهادها پیشگیری از تضاد با قوانین اسلامی ایجاد شده‌اند. نظام‌های سیاسی مختلف بر اساس اصول و مبانی خاص خود شکل می‌گیرند و در هر نظام، تعامل بین مذهب و دموکراسی نقش مهمی ایفا می‌کند (حیاتی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۲). در ایران، با نظام سیاسی اصلی همیشه دغدغه‌ی دموکراسی وجود دارد. به طور کلی، تعریف و تفسیر دین به خصوص در سیاست، همواره چالشی در راستای تحقق دموکراسی به شمار می‌رود. این تقابل دموکراسی و مذهب نیازمند چشم‌اندازهای جدید و بازنگری در حاکمیت دینی و سیاسی بود که شیوه جدید نظام ریاستی ایران با ایجاد نقش آفرینی مردم در انتخابات مختلف علاوه بر تبیین و تثبیت نظام ریاستی به فرامین حکومت الهی نیز دست یافتند (علی حسینی، ۱۳۹۲: ۵۲). کشور‌های با نظام پارلمانی، احزاب سیاسی

مهم ترین علت اصلی فرهنگ سیاسی حاکم بر احزاب هستند. این در حالی است که نظام پارلمانی ممکن است به دلیل تنوع نظرات و ائتلاف‌ها و اولویت‌های سیاسی، با چالش‌هایی روبرو شود که ممکن است تأثیرات منفی بر الگوهای اسلامی و فرهنگی کشور بگذارد. هرچند بعضی صاحب نظران بر لزوم وجود نظام حزبی به عنوان شرط استقرار نظام پارلمانی در ایران تأکید کرده اند ولی باید توجه داشت که حتی در صورت وجود احزاب آزاد به دلیل فرهنگ سیاسی سازش ناپذیر در کشور باز هم موفقیت نظام پارلمانی محتمل نخواهد بود و موجب سقوط دولت‌ها و بی ثباتی می شود (غمامی، ۱۳۹۲: ۴۴). شرط حزب‌های منضبط و فرهنگ سیاسی که تمایل به سازش و ائتلاف در جامعه جهت کارکرد صحیح نظام پارلمانی دارند (نقیب زاده، ۱۳۹۳: ۶۲). در برخی جوامع از جمله ایران و فرانسه وجود ندارد و نظام پارلمانی در غیاب این مهم نه تنها سبب ایجاد آن نخواهد شد بلکه حکومت را دچار بی ثباتی خواهد کرد. لذا نظام پارلمانی، مناسب جامعه‌ی سیاسی ایران نیست؛ از طرفی طراحی و اجرای آن از باب آزمودن آزموده خطایی استراتژیک تلقی کرد. همچنین بکار بستن نظام پارلمانی در قالب جمهوری اسلامی را باید خطایی افزون دانست زیرا همراه با تهدید بی ثباتی، نهاد ریاست جمهوری منتخب مستقیم مردم سبب حس نزدیکی بین مردم و حکومت می شود و در صورت حذف مقام مذکور با وجود نظارت استصوابی در انتخابات مجلس احتمال بیگانگی و بیزاری مردم از نظام سیاسی می رود که سبب فرو ریختن اعتماد و حتی مشکلات امنیتی خواهد بود. هر چند برخی موافقان نظام پارلمانی برای تاسیس این نظام در کشور ادعا می کنند نظام مذکور سبب رشد و گسترش احزاب و فرهنگ ائتلاف می شود اما تجربه‌های تاریخی این قضیه رانفی می کنند که این موضوع به دلیل تفاوت حقوق عمومی با سایر گرایش‌های حقوق می باشد (نوروزی، ۱۴۰۰: ۴). نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک نظام سیاسی ریاستی دارای تعاملات پیچیده‌ای میان دموکراسی و اسلام سیاسی را خود دارد. این نظام تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی و نیازهای سیاسی اجتماعی طراحی شده است و این

دو عنصر در فرآیند حکمرانی و سیاستگذاری کشور تأثیرگذاری بسیاری دارد (رضایی شرف و راعی دهقی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

## منابع

- آهنگری، احسان؛ جهان دوست دالنجان، مسعود (۱۴۰۰)، **استقلال ساختار قضائی به مثابه ابزاری سیاسی در تحقق امنیت قضائی در الگوی دادرسی اسلامی**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۵، ۹۹-۱۲۸.
- ابوالحمید، عبدالحمید (۱۳۹۷). **مبانی سیاست**، چ ۳، تهران: توس.
- اندره تنگ (۱۳۹۵). **حقوق ایالات متحده آمریکا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باقری گورابی، سعیده (۱۴۰۳)، **دموکراسی مدرن به استناد مسئولیت مدنی دولت**، سومین کنگره دانشجویان حقوق، علوم سیاسی و علوم اجتماعی، تهران.
- بوشهری، جعفر (۱۳۹۶). **مسائل حقوق اساسی**، چ ۳، تهران: دادگستر.
- پدram، امیر (۱۳۹۵). **جایگاه رییس کشور در نظامهای ریاستی، پارلمانی، نیمه ریاستی نیمه پارلمانی و نظام جمهوری اسلامی ایران**، کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی، شیراز.
- پوراحمدی میبدی، حسین؛ ذوالفقاری، عباس (۱۳۹۴). **انواع مدل های اسلام سیاسی و تعامل آنها با سیاست جهانی**، رهیافت های سیاسی و بین المللی، ۶(۳)، ۹-۳۵.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۷). **میزان انطباق نظام های پارلمانی، ریاستی و نیمه ریاستی با نظام ولایی**. فقه حکومتی، ۳(۶)، ۵۱-۷۲.
- حیاتی، علی عباس؛ جاوید، محمدجواد؛ احمدی گودینی، هاشم (۱۴۰۱)، **نسبیت رژیم سیاسی به مثابه روش حاکمیت جایگاه قانونی نظام ریاستی و پارلمانی در حقوق اساسی ایران**، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۵(۱۵)، ۴۷-۷۵.
- رضایی شرف، موسی الرضا؛ راعی دهقی، مسعود (۱۴۰۰). **امکان سنجی تغییر حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران از ریاستی به پارلمانی در پرتو استقرار نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه**، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۳(۵)، ۱۲۷-۱۶۱.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۹۴). **حقوق سیاست**، چ ۳، تهران: نی.
- عالمی، شمس الدین (۱۳۹۴). **حقوق اساسی**، چ ۴، تهران: مشکات.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۴). **حقوق اساسی تطبیقی**، تهران: دادگستر.

- علی حسینی، علی (۱۳۹۲). چرایی نوسان بین الگوهای نیمه ریاستی، نیمه پارلمانی و پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش های سیاست اسلامی، ۱(۳)، ۳۷-۶۵.
- غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۲). سازوکار های حل اختلاف و تنظیم روابط قوا، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۲، ۳۴-۶۰.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۳). حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، ج ۲، تهران: نی.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر؛ قهرمان زاده نیمگزی، فرزین (۱۳۹۷). بازبینی نظام سیاسی ایران در پرتو تعاریف کلاسیک و نوین از نظام نیمه ریاستی، دوفصلنامه فقه حکومتی، ۳(۶)، ۷۳-۹۸.
- مرندی، سید محمد رضا (۱۴۰۲). معادل یابی و مقایسه وظایف و اختیارات ولایت مطلقه فقیه در ایران با روسای کشور در الگوهای اصلی نظام های ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی، ۲(۱۴)، ۱-۳۰.
- مقدار ترابی (۱۳۹۷). قوانین اساسی کشورهای جهان، تهران: شهر دانش.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۹۳). سیاست و حکومت در اروپا، ج ۱۲، تهران: سمت.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۹۱). احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ج ۳، تهران: گستره.
- نوروزی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی نظام حقوقی ریاستی برزیل، هفتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت در علوم انسانی، تهران.
- Duguit (L) 1972, Traite de droit constitutionnel, 3 ed. Paris.
- Pactet, p. (1971) Institutions politiques contemporains, Masson, paris.
- Weingast, Barry R "The Political Institutions of Representative Government: Legislatures", Journal of Institutional and Theoretical Economics. 5(2009): 120-159

## References

- Ahangari, Ehsan; Jahandost Dalanjan, Masoud (1400). Independence of the Judicial Structure as a Political Tool in Realizing Judicial Security in the Islamic Judicial Model, *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 25, 99-128.

- Abolhammad, Abdolhamid (2018). *Foundations of Politics*, 3rd ed., Tehran: Toos Publishing.
- André Tunc (2016). *The Law of the United States of America*, Tehran: University of Tehran Press.
- Bagheri Gourabi, Saeedeh (2024). *Modern Democracy Based on the State's Civil Liability*, Third Congress of Law, Political Science and Social Science Students, Tehran.
- Boushehri, Jafar (2017). *Issues in Constitutional Law*, 3rd ed., Tehran: Dadgostar.
- Pedram, Amir (2016). *The Position of the Head of State in Presidential, Parliamentary, Semi-Presidential, and the Islamic Republic of Iran Systems*, National Conference on Jurisprudence, Law, and Psychology, Shiraz.
- Pourahmadi Meybodi, Hossein; Zolfaghari, Abbas (2015). *Types of Political Islam Models and Their Interaction with Global Politics, Political and International Approaches*, 6(3), 9–35.
- Javan Arasteh, Hossein (2018). *The Compatibility of Parliamentary, Presidential, and Semi-Presidential Systems with*

*the Velayat-based System, Governmental Jurisprudence*, 3(6), 51–72.

- Hayati, Ali Abbas; Javid, Mohammad Javad; Ahmadi Goodini, Hashem (2022). *The Relativity of Political Regimes as a Method of Governance: The Legal Position of Presidential and Parliamentary Systems in Iranian Constitutional Law*, *Journal of Comparative Law Research and Development*, 5(15), 47–75.
- Rezaei Sharaf, Mousa Reza; Raei Daghi, Masoud (2021). *A Feasibility Study of Changing the Governance Structure of the Islamic Republic of Iran from Presidential to Parliamentary Under the Framework of the Velayat-e Faqih System*, *Journal of Political Studies*, 13(5), 127–161.
- Tabatabaei Motameni, Manouchehr (2015). *The Law of Politics*, 3rd ed., Tehran: Nei Publishing.
- Alemi, Shams al-Din (2015). *Constitutional Law*, 4th ed., Tehran: Meshkat Publishing.
- Abbasi, Bijan (2015). *Comparative Constitutional Law*, Tehran: Dadgostar.
- Ali Hosseini, Ali (2013). *The Reason Behind Fluctuations Between Semi-Presidential, Semi-Parliamentary, and Parliamentary Models in the Islamic Republic of Iran*, *Islamic Politics Research*, 1(3), 37–65.
- Ghamami, Seyed Mohammad Mahdi (2013). *Mechanisms for Dispute Resolution and Coordination Among Branches of Power*, *Journal of Public Law Studies*, 2, 34–60.
- Ghazi, Abolfazl (2014). *Constitutional Law and Political Institutions*, 2nd ed., Tehran: Nei Publishing.
- Gorji Azandariani, Ali Akbar; Ghahremanzadeh Neymgezi, Farzin (2018). *A Re-examination of Iran's Political System in Light of Classical and Modern Definitions of Semi-Presidentialism*, *Biannual Journal of Governmental Jurisprudence*, 3(6), 73–98.

- Marandi, Seyed Mohammad Reza (2023). *Equivalent Functions and Powers of the Supreme Leader in Iran Compared with Heads of State in Presidential, Semi-Presidential, and Parliamentary Systems*, 2(14), 1–30.
- Meghdad Torabi (2018). *Constitutions of World Countries*, Tehran: Shahr-e Danesh.
- Naqibzadeh, Ahmad (2014). *Politics and Government in Europe*, 12th ed., Tehran: SAMT Publishing.
- Nozari, Hossein Ali (2012). *Political Parties and Party Systems*, 3rd ed., Tehran: Gostareh Publishing.
- Norouzi, Fatemeh (2021). *A Study of Brazil's Presidential Legal System*, Seventh National Conference on Management Studies in Humanities, Tehran.

UNCORRECTED PROOF